

واکاوی و نقد مبانی الهیات سلبی با تأکید بر آراء ملاصدرا

محمد مهدی مشکاتی^۱/مهدی منصوری^۲

چکیده

الهیات سلبی یا حکمت تنزیهی، گونه‌ای از شناخت است که بیشتر در صدد بیان جنبه‌های سلبی متعلق خویش است تا بیان جنبه‌های ایجابی آن. به عبارت دیگر؛ از آنجا که شناخت ویژگی‌های ذات الهی را مقدر بشر نمی‌داند، لذا در پی آن است تا صفاتی را که ذات الهی بدان متصف نیست، بشناسد نه آنچه را که بدان متصف است. این دیدگاه سابقه‌ای طولانی دارد هرچند بین صاحبان آن اختلاف نظرهایی هم دیده می‌شود. این نظریه در حوزه‌های مختلفی و از جمله در حوزه معناشناسی ورود پیدا کرده و معتقد است که راجع به صفات خدا نمی‌توان آن گونه سخن گفت که راجع به همان صفات در دیگر موجودات. در فلسفه و کلام اسلامی نیز این دیدگاه با تکیه بر یک سری مبانی خاص مانند تباین وجودی، اشتراک لفظی، تلازم اشتراک معنوی با تشبیه و اکتنا ذات الهی، و تأویل تنزیلی روایات پدید آمده است. اما هر یک از این مبانی با اشکالاتی مواجه است که می‌توان از آن به اشکالات مبنائی تعبیر نمود. این اشکالات متوجه اصل مبانی این دیدگاه به صورت جداگانه است. اما توالی فاسدی نیز هست که کل این نظریه می‌تواند در پی داشته باشد و در این مجال بدان پرداخته نمی‌شود. در این نوشتار کوشش شده است تا ابتدا تصویر مختصری از هر یک از مبانی ارائه شده و سپس نقد آن بر اساس مبانی فلسفی و به ویژه مبانی حکمت متعالیه صورت پذیرد و در آخر به این نتیجه منتهی شود که مبانی این دیدگاه مخدوش بوده و لذا این دیدگاه در حوزه الهیات قابل دفاع و پذیرش نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: الهیات سلبی، حکمت تنزیهی، اشتراک لفظی، اشتراک معنوی، تشکیک، تشبیه

۱ - استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان

۲ - دانش‌آموخته حوزه علمیه قم